

ارتباط بودجه و توسعه کارآفرینی دانشگاهی

دکتر پرویز سعیدی *

چکیده:

امروزه آموزش کارآفرینی به یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین فعالیت‌های دانشگاه‌ها و در نظام اقتصادی پیشرو، بودجه به مهم‌ترین ابزار هدایت و تخصیص بهینه منابع در جهت دستیابی به اهداف توسعه تبدیل شده است. بودجه نظامی است که در آن منابع، پیش‌بینی و مصرف می‌شوند تا نتیجه‌ای منطقی و در راستای اهداف سازمان‌ها به دست آید. هدف اصلی این مقاله، تبیین رابطه بین بودجه و توسعه کارآفرینی دانشگاهی است. این مقاله ضمن ارائه مبانی نظری بودجه در راستای آن به تامین منابع مالی و سرمایه‌گذاری پرداخته و در نهایت با ارائه مدلی مفهومی به توسعه کارآفرینی دانشگاهی می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد بودجه مناسب با ابزارهای نظارتی کارآمد، می‌تواند توسعه کارآفرینی دانشگاهی را ایجاد نماید.

واژگان کلیدی:

بودجه - توسعه - توسعه کارآفرینی دانشگاهی - مراکز آموزش عالی - سرمایه‌گذاری

مقدمه:

جدید در بودجه و تامین منابع مالی آن ایجاد گردد. بودجه یکی از مهم‌ترین فرایندهای تصمیم‌گیری دولت بوده و هست. همه ساله اخبار مربوط به تقدیم لایحه بودجه به مجلس که در آن سیاست‌ها و فعالیت‌های کلی دولت در یک سال بودجه‌ای مورد اجرا قرار می‌گیرد و تصویب آن را پس از اصلاحاتی که در مجلس به عمل آمده است از طریق رسانه‌های جمعی و مجلات علمی و روزنامه‌ها می‌خوانیم.

در صنعت و تجارت در نیم قرن اخیر اهمیت بودجه به‌عنوان ابزار مفیدی در دست مدیریت سازمان‌ها برای طرح سیاست‌ها و نظارت بر اجرای آنها مورد توجه قرار گرفته و استفاده از آن به خصوص در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم به تدریج بسط و توسعه یافته است. به طور کلی می‌توان گفت در حال حاضر کمتر موسسات در کشورهای پیشرفته می‌توان یافت که آن را مورد استفاده قرار ندهند.

همچنان که کسب و کار به‌طور روز افزون و سریع رقابتی شده و در سطح جهان مطرح می‌شود سازمان‌هایی که بهتر بتوانند طرح‌ها و برنامه‌های آتی خود را برای پیوستن به معادلات جهانی و توسعه همکاری ایجاد نمایند، نسبت به دیگر سازمان‌ها در مقام و مرتبه بالاتری قرار خواهند گرفت. به‌علاوه موسساتی که دائماً اطلاعات گذشته و جاری خود را تحلیل و بررسی می‌نمایند و برنامه‌های آتی خود را بر اساس آنها تنظیم می‌کنند در راس این رقابت جهانی قرار می‌گیرند. (Rasmussen, 2000, 1-2)

تغییرات وسیعی که در چند دهه اخیر در حجم، پیچیدگی و گستردگی عملیات و وظایف دولت و سازمان‌های دولتی ایجاد شده موجب گردیده است اصلاحات، تعدیلات و ارزیابی‌های

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

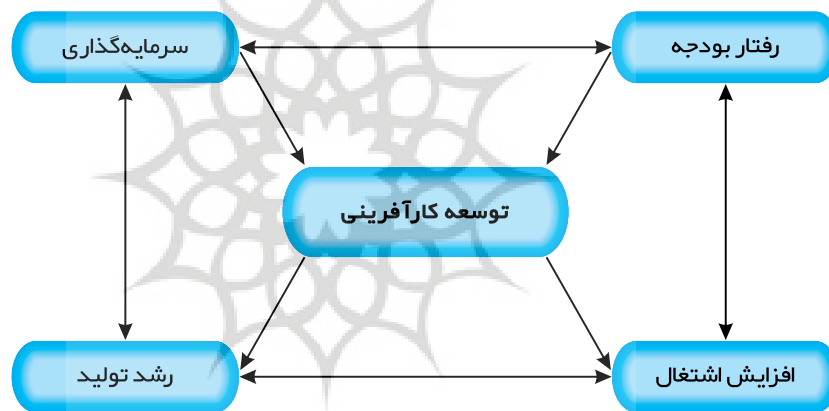
با توجه به موضوع اصلی مقاله به اختصار به بندهای سوم و چهارم می‌پردازیم.

استفاده از بودجه به عنوان ابزار سیاست‌گذاری یا برنامه‌ریزی به منظور تنظیم سیاست‌های مالی برای مقاصد اقتصادی صورت می‌گیرد تا به وسیله آن درآمدها و هزینه‌های بودجه‌ای چند هدف ویژه را برای حفظ تعادل اقتصادی و جلوگیری از بروز بحران تامین کند.

نخست آنکه از نظر سیاست‌های اقتصادی و مقاصد مربوط به استفاده از منابع، بودجه بتواند هدف‌های سرمایه‌گذاری و نرخ رشد و همچنین چگونگی اختصاص منابع به هزینه‌های جاری و سرمایه‌ای در بین بخش‌ها را معلوم کند. دوم آنکه تعیین نرخ رشد اقتصادی به دلیل ارتباط با میزان انتقال، ثبات قیمت‌ها و موازنه بخش خارجی به گونه‌ای صورت پذیرد که منافع اجتماعی را حداکثر سازد.

بودجه به عنوان توسعه کارآفرینی و سرمایه‌گذاری

برای نشان دادن رابطه بودجه و توسعه کارآفرینی و سرمایه‌گذاری مدل مفهومی زیر در نمودار (۱) ارائه می‌شود:



نمودار شماره (۱): مدل مفهومی بودجه و توسعه کارآفرینی و سرمایه‌گذاری

که به اختصار به آنها می‌پردازیم:

رفتار وابسته به بودجه، سرمایه‌گذاری و توسعه کارآفرینی

رفتار وابسته به بودجه^۲ به فعالیت‌های مدیریتی، اقدامات، دیدگاه‌ها و ارتباطات متقابل در بین مدیران و وظایفشان که به طور منظم صورت می‌گیرد و آنچه که با سیستم کنترل بودجه در ارتباط است اشاره می‌کند (ویلیامز و دیگران، ۱۹۹۰)^۳. ادبیات رفتار وابسته به بودجه جوانب با ارزش زیادی از مطالعات، شامل مشارکت (آرجیس ۱۹۵۲، بکر و گرین ۱۹۶۲، بروئل ۱۹۸۲، بروئل و میکس^۵ ۱۹۸۶) و روش بودجه‌بندی ارزشیابی عملکرد (هاپوود^۶ ۱۹۷۲، ۱۹۷۴، اتلی ۱۹۷۸، هیرست ۱۹۸۱)^۶ را تأکید می‌کند.

برانس و واترهاوس^۷ (۱۹۷۵) دریافتند که رفتار وابسته به بودجه با استفاده از چندین عامل، از قبیل مشارکت، ارزیابی توسط بودجه، توانمندی سازمان، محدودیت سازمان، حمایت و پذیرش روش‌ها می‌توانند تشریح شوند. این‌گونه

۱- بودجه‌ریزی در گام‌های نخستین خود ابزار مسئولیت قانونی و محاسباتی بود. از این دیدگاه بودجه نوعی از کنترل‌های قانونی، اداری و قضایی را در پی دارد که فارغ از ساختار سیاسی کشور و به منظور اطمینان از صحت عملیات مالی دولت صورت می‌گیرد.

۲- در این دیدگاه بودجه به عنوان ابزار مدیریت مالی به طرح مسائل اقتصادی مالیه عمومی می‌پردازد و ضمن ایجاد روش‌ها و طبقه‌بندی‌های مشترک و هماهنگ و ارائه اطلاعات مالی دقیق، مفید و به موقع جهت نیل به اهداف مدیریت اقدام می‌شود.

3-Budget-Related Behavior

4-Williams(1990)

5-Argyris(1952),Becker and green(1962),Brownell(1982),

Brownell and mclnnes(1986).

6-Hopwood(1972)otley(1978)and hirst(1981).

7-Bruns and water hous(1975).

ویلیامز و دیگران (۱۹۹۰) خصوصیات بودجه ریزی را در مطالعه رفتار وابسته به بودجه در سازمان‌های بخش عمومی مشخص نمودند. یافته‌هایشان در مورد عوامل رفتاری مهم، بسیار شبیه به مطالعه بخش خصوصی توسط برانس و واتر هوس، در توصیه به اینکه چنین رفتاری با دو عامل عمومی و خصوصی مشابه است بود. برای تسهیل در تجزیه و تحلیل، این عوامل به صورت زیر طبقه‌بندی می‌شدند:

۱. کنترل و اندازه‌گیری، ۲. مشارکت، ۳. ابلاغ رسمی، ۴. توانایی تغییر. آنها تجزیه و تحلیل پیشنهاد شده توسط برانس و واتر هوس را گسترش داده و استنتاج کردند که شواهدی از حمایت برای عقاید احتمالی از سازگاری بین رفتار بودجه‌بندی و عملکرد دواير در زمینه وابستگی متقابل وظایف وجود دارد.

اوچی (۱۹۷۷-۱۹۷۹) اولین نویسنده‌ای بود که اعلام کرد فرهنگ عاملی مهم در طرح و عملیات سیستم‌های کنترل سازمانی است. او پیشنهاد کرد که تحت مقتضیات هم خوانی درباره اهداف و مشکلات در سنجش عملکرد، سازمان‌ها مجبور به پاسخگویی کامل جهت کنترل تصمیماتشان می‌باشند. چنین وضعی اغلب در بخش عمومی، با برآیند مهم برای طرح سیستم‌های کنترل مالی اتفاق می‌افتند. (بورن و ازامل ۱۹۸۷)^۱

تحقیق تجربی برای الگوی عملی، در فرهنگ و سیستم‌های کنترل مالی، عمدتاً با خصوصیات فرهنگ ملی و رفتار وابسته به بودجه مرتبط بوده است (بیرن برگ و اسنادگراس ۱۹۸۸، کاو و کاتو و شیلندر ۱۹۹۴، هریسون ۱۹۹۲، پنو و ویو ۱۹۹۳، کاو، شیلندر و چین ۱۹۹۱).^۲ هیچ تحقیق تجربی قبلی که در مقالات ثبت شده باشد، توسط یک روش پژوهشی کاربرد روابط بین فرهنگ سازمانی که مخالف با فرهنگ ملی و رفتار وابسته به بودجه باشد وجود ندارد.

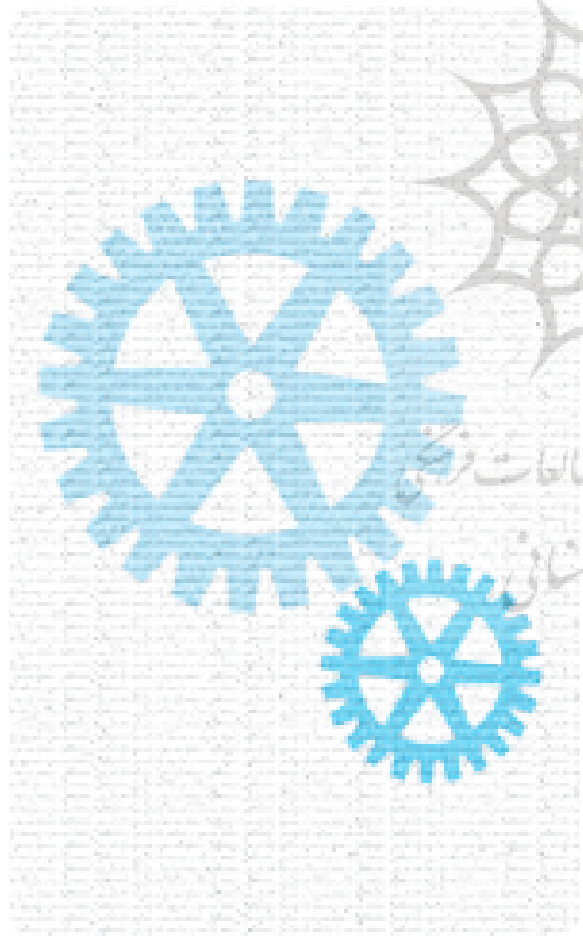
فلامهلتز^۳ (۱۹۸۳) و ماکوس پففر (۱۹۸۳) استدلال نمودند که طرح سیستم کنترل مالی بایستی با ارزش‌های سازمانی یا فرهنگ سازگار باشد، در غیر این صورت سیستم با مقاومت مواجه می‌شود.

در این خصوص برنامه مالی تصویر کاملی را برای کارآفرین نمایان می‌سازد که از تعداد و زمان ورود وجوه به درون شرکت، بخشی که وجوه به آنجا می‌رود، میزان وجوه نقد موجود و پیش بینی موقعیت مالی شرکت اطلاع یابد. این برنامه مبنای کوتاه مدتی برای کنترل بودجه‌بندی فراهم می‌آورد و از بروزی یکی از متداولترین مشکلات فعالیت‌های کارآفرینانه نوپا، یعنی نبود وجه نقد، جلوگیری می‌کند.

برنامه مالی (بودجه) باید برای سرمایه گذاران توضیح دهد که کارآفرین چگونه تمام تعهدات مالی خود را پاسخ گوید و به منظور بازپرداخت بدهی با فراهم آوردن بازدهی خوب از سرمایه گذاری، میزان نقدینگی لازم را حفظ کند. (www. Etrad. Com)

سرمایه گذاری کلید رشد اقتصادی هر کشور به شمار می‌آید. سرمایه گذاری علاوه بر اینکه موجب رشد تولید و

اشتغال می‌گردد به توسعه کشور کمک می‌کند. مدیر امور مالی برای بسیج و تدارک منابع مورد نیاز و استفاده کارا از این گونه منبع، باید برنامه ریزی اقتصادی و بودجه‌ریزی داشته باشد. در تئوری‌های رشد اقتصادی، نقش سرمایه به عنوان یکی از پارامترهای اصلی رشد و توسعه اقتصادی به شمار می‌آید. در واقع رشد اقتصادی و تولید بدون سرمایه گذاری غیر ممکن به نظر می‌رسد، بنابراین نیاز به سرمایه وجود دارد. در واقع کارآفرینی افزایش رشد سرمایه گذاری و تولید را به ارمغان می‌آورد. در اقتصاد پیشرفته عصر حاضر که بعضاً از آن به عنوان دانش اقتصاد^۴ یاد می‌شود، رشد کیفی نیروی انسانی یک عامل کلیدی است. پیش از این در کشورهای صنعتی پیشرفته، سرمایه گذاری فیزیکی و مالی عامل اساسی توسعه تلقی می‌شد، حال آنکه در زمان حاضر که عصر دانایی و اطلاعات و دانش است، سرمایه گذاری نیروی انسانی به مراتب بیش از سرمایه گذاری مالی و فیزیکی اهمیت پیدا کرده است، چرا که قرن حاضر با تغییر و تحولات سریع خود به افرادی فعال، خلاق و کارآفرین نیازمند است (ایمانی حسنلوئی و تقی پاشایی، ص ۵).



1-Bourn and ezzamel(1987)

2-Birnberg and snodgrass(1988),chow,kato and shields (1994),Harrison(1992,1993),ueno and Wu(1993),chow,shields and chan(1991).

3-Flamholtz(1983),and markus and pfeffer(1983).

4-Economy Knowledge

سازماندهی آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌های مجری طرح که ۱۲ دانشگاه بودند، اقدام کرده است (مقیمی، ۱۳۸۲).

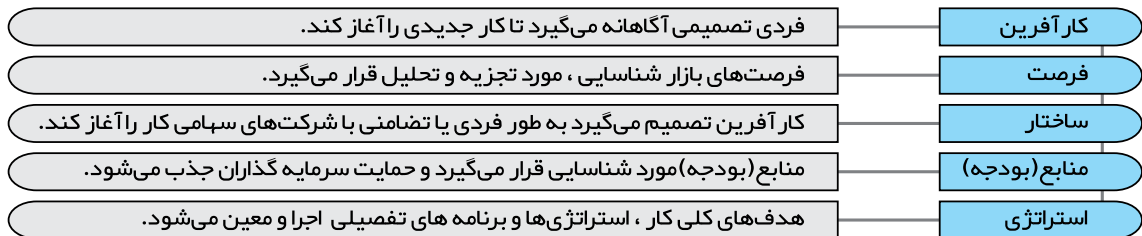
آموزش عالی، بودجه و توسعه کارآفرینی

سازمان علمی آموزشی فرهنگی ملل متحد (UNESCO) در چشم‌انداز جهانی آموزش عالی ایران قرن ۲۱، دانشگاه‌های نوین را این‌گونه توصیف کرده است: جایگاهی که در آن مهارت‌های کارآفرینی، به منظور تسهیل قابلیت‌های فارغ‌التحصیلان، برای تبدیل شدن به ایجادکنندگان کار، توسعه می‌یابد.

آموزش عالی معرف نوع مهمی از سرمایه‌گذاری در منابع انسانی است که با فراهم آوردن و ارتقاء بخشیدن دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های مورد نیاز کارکنان ارشد فنی، حرفه‌ای و مدیریتی به توسعه اقتصادی کمک می‌کند. آموزش عالی به‌طور قطع نه‌تنها موجب ترویج دانش می‌شود، بلکه با پیشرفت‌های تحقیقاتی، تکنولوژیکی و علمی، دانش جدید نیز به‌وجود می‌آورد. بدین ترتیب دانشگاه‌ها و سایر موسسات آموزش عالی، سهمی مضاعف در اقتصاد دارند. اقتصاددانان از دیرباز به اهمیت آموزش به عنوان نوعی سرمایه‌گذاری پی برده بودند و از ابتدای دهه ۱۹۶۰ اقتصاد آموزشی به عنوان رشته مشخصی مطرح شده است که سهم آموزش را در رشد اقتصادی تجزیه و تحلیل و برنامه‌ریزان را به ابزار و فونونی مجهز می‌کند که به امر برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری آموزشی کمک نمایند.

امروزه توسعه به مجموعه‌ای از تحولات فکری، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اطلاق می‌شود که به گسترش توانایی‌ها و ظرفیت‌های کلی یک جامعه در همه ابعاد منجر می‌شود. لذا توسعه فرایندی پیچیده و چندبعدی است که ابتدا به دست انسان و در نهایت برای انسان صورت می‌گیرد و همه جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان را شامل می‌شود و ناظر بر بهبود همه جانبه زندگی بشر است. از این رو توسعه متغیر وابسته‌ای است که سطح و میزان آن به عوامل و متغیرهای متعدد و متفاوتی بستگی پیدا می‌کند که یکی از آنها بودجه می‌باشد. بودجه موجبات رشد و توسعه آموزش عالی را ایجاد نموده و چنانچه به‌طور مناسب پیش‌بینی و با ابزار دقیق کنترل و نظارت انجام گیرد باعث توسعه کارآفرینی دانشگاهی می‌گردد. در این راستا فرایند کارآفرینی از جایگاه بالایی برخوردار است. در این خصوص فرای (۱۹۹۳، ۱۵۱) پنج جزء اصلی در فرایند کارآفرینی را مورد توجه قرار می‌دهد که شامل کارآفرین، فرصت، ساختار، منابع و استراتژی را لازم و ضروری می‌داند. در این خصوص مدل او به قرار نمودار شماره (۲) ارائه شده است:

اجزای تشکیل دهنده:



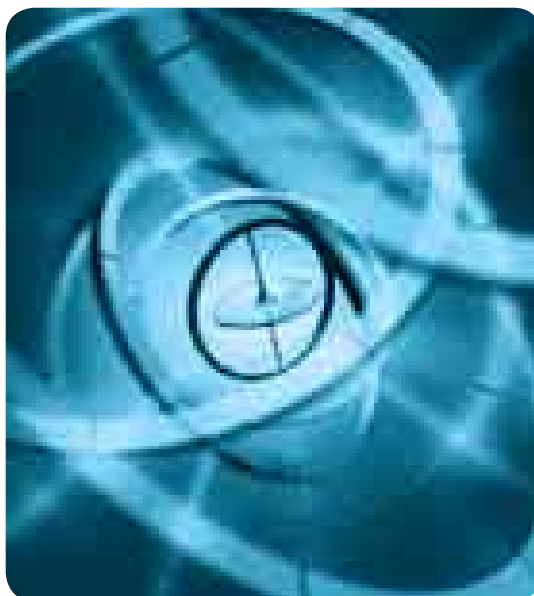
نمودار شماره (۲): فرایند کار آفرینی

تولید، افزایش اشتغال و توسعه کارآفرینی

رشد تولید باعث افزایش اشتغال در جامعه می‌گردد. در این خصوص کارآفرینان در ایجاد اشتغال نیز نقش مهمی ایفا می‌نمایند. در حدود نیمی از کارکنان کشورهای توسعه‌یافته در کسب و کارهای کوچک مشغول فعالیت هستند. بیشتر مشاغل جدید را کسب و کارهای کوچک ایجاد می‌کنند و سهم این کسب و کارها در بازار کار در حال افزایش است. بنابراین یکی از پیامدهای مثبت پدیده کارآفرینی اشتغال مولد می‌باشد. طرح کار و با هدف رفع معضل فعلی کشور در زمینه بیکاری و نیز بهره‌مند شدن از سایر پیامدهای کارآفرینی همانند بروز خلاقیت‌ها، تولید ثروت، تولید و به‌کارگیری فناوری، رشد اعتماد به نفس در بین دانشجویان و فارغ‌التحصیلان و جلوگیری از مهاجرت نخبگان ارائه شده است (طرح توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها (کاراد)، ص ۲۰).

کلیه موفقیت کارآفرینی، یافتن روش‌های خلاقانه‌ای است که با به‌کارگیری تکنولوژی‌های جدید با بازاربایی بهتر، سریع‌تر و کم هزینه‌تر کالاهای جدید، خواسته‌های بشری را به نحو احسن برآورده می‌سازند. این به‌معنای تولید کالاهای موجود با هزینه‌های کمتر یا ارتقاء کیفیت آن و یا به‌معنای ایجاد بازارهایی برای کالاهای کاملاً جدید و در مجموع ارزش آفرینی در بنگاه‌های اقتصادی است.

در ایران تا آغاز برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی به کارآفرینی توجه چندانی نشده بود، اما در این برنامه به‌علت بیکاری گسترده، به‌ویژه در میان جوانان و دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و پیش‌بینی شدت گرفتن این معضل در دهه ۱۳۸۰، کارآفرینی مورد توجه قرار گرفت. بر اساس بند ۲- الف راهکارهای اجرایی بخش آموزش عالی مندرج در جلد دوم پیوست شماره ۲ لایحه برنامه پنج‌ساله سوم توسعه، کارآفرینی و کارآموزی برای دانشجویان و دانش‌آموختگان از راه تحول برنامه‌ها و شیوه‌های آموزشی مورد تأکید قرار گرفته است. از این رو، به‌منظور توسعه و ارتقای سطح کارآفرینی به ویژه آموزش و پرورش دانشجویان و دانش‌آموختگان مقاطع گوناگون تحصیلی و فراهم کردن مشارکت هر چه بیشتر دانشگاهیان در توسعه کشور، آیین‌نامه طرح توسعه کارآفرینی در برنامه سوم در سطح وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، جهاد کشاورزی و صنایع و معادن و نیز جهاد دانشگاهی مطرح شد و در حال اجرا است. در این باره، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مسئولیت اجرایی «طرح توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌های کشور» را به سازمان سنجش کشور واگذار کرده است. این سازمان نیز از اواخر سال ۱۳۷۹ نسبت به



دسته چهارم برنامه «توسعه آموزش کارآفرینی» می‌باشد که شامل شیوه‌های جدید آموزشی و تعیین نقش‌های نوین دانشجو و استاد در فرایند آموزش کارآفرینی است. هدف دیگر این برنامه‌ها آموزش و گسترش کمی اساتید جدید از میان صنعتگران و دست‌اندرکاران فعالیت‌های اقتصادی برای آموزش کارآفرینی می‌باشد (سازمان بین‌المللی کار ۱۹۹۲، ص ۴-۱).

نقش برنامه ریزی اقتصادی و بودجه و ارتباط آن با توسعه کارآفرینی

نظام برنامه‌ریزی نه تنها تمامی اقدامات و فعالیت‌های فردی و جمعی دست‌اندرکاران را در تعیین امکانات و اولویت دادن به هدف‌ها و نیازها شامل می‌شود، بلکه چگونگی تحقق اهداف ملی و منطقه‌ای بخش‌های اقتصادی و اجتماعی کشور و نحوه کنترل و جلوگیری از انحرافات و تعدیل مغایرات احتمالی را دربر می‌گیرد.

از آنجایی که وظایف دولت‌ها روز به روز در حال افزایش است این وظایف، دخالت دولت‌ها را در کلیه شئون، ایجاب می‌کند تا جایی که دولت بزرگترین عامل دگرگونی در ساختار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی محسوب می‌شود و تصمیماتی که اتخاذ می‌کند کلیه افراد و یا قشرهای زیادی از مردم شامل می‌گردد.

به موازات ضرورت دخالت دولت‌ها در نظام مالی و اقتصادی و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در کلیه شئون دامنه توقعات و انتظارات مردم نیز روز به روز وسیع‌تر گردید تا جایی که سرو سامان دادن به هرگونه آشفتگی‌های اقتصادی و اجتماعی را از مسئولان امور می‌خواستند و در نتیجه هزینه‌های عمومی دولت سیر صعودی پیدا کرد و اندیشه برنامه‌ریزی برای پاسخگویی به نیازهای روز افزون جامعه مطرح گردید. برای جلوگیری از این مسائل دولت‌ها اقدام به واگذاری بخش‌های دولتی و عمومی به بخش خصوصی کردند که از طریق یک نظام مدون و کارآمد و با افرادی خلاق و ریسک‌پذیر که کارآفرین نامیده شدند برنامه‌ریزی‌های اقتصادی بهبود نسبی به خود گرفت.

نکات مهمی که در برنامه‌ریزی اقتصادی می‌باید مورد توجه برنامه‌ریزان قرارگیرد ماهیت و ساختار اقتصادی و بودجه‌ای دولت است. در این برنامه‌ریزی باید از کلیه فرصت‌ها و امکانات کشور در تمامی زمینه‌ها حداکثر بهره‌برداری به عمل آید تا تحقق هدف‌های طرح‌های توسعه با اطمینان بیشتری صورت پذیرد. در ضمن بودجه‌بندی و اختصاص دادن منابع و امکانات مالی مورد نیاز ضامن اجرای کلیه برنامه‌ریزی‌های اقتصادی است. بدین ترتیب لازم است در هر برنامه‌ریزی اعم از کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت نسبت به تخصیص درست اعتبارات لازم در زمان‌های تعیین شده با توجه به اهداف و برنامه‌ریزی‌های تعیین شده توجه شود. بنابراین بودجه، نیروی انسانی و امکانات در واقع به عنوان سرمایه محسوب شده که چنانچه هدایت شود می‌تواند توسعه کارآفرینی را در بخش دانشگاهی فراهم آورد.

تا سال ۱۹۹۰ چهار دسته اصلی از دوره‌های آموزشی کارآفرینی شکل گرفت که به قرار زیر ارائه می‌شود:

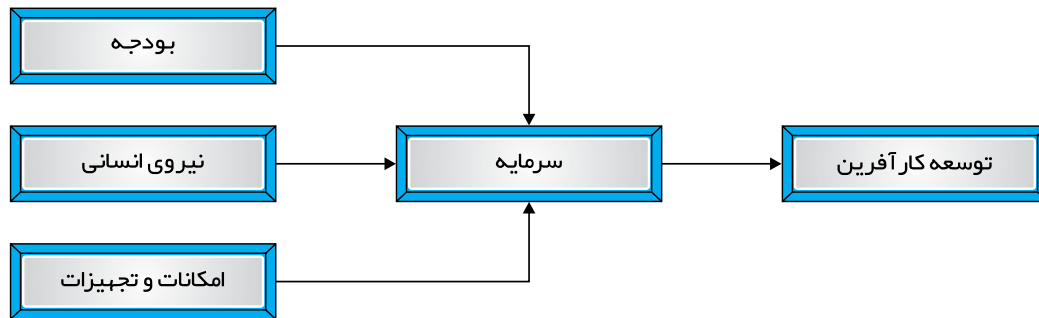
دسته اول برنامه‌هایی برای آگاهی و جهت‌گیری به سوی کارآفرینی می‌باشد. هدف از این دوره‌ها افزایش آگاهی، درک و بینش نسبت به کارآفرینی به عنوان یک انتخاب شغلی برای افراد از تمامی اقشار اجتماعی می‌باشد. این‌گونه برنامه‌ها در مقاطع تحصیلی ابتدائی، راهنمایی و متوسطه آموزش داده می‌شوند تا انگیزه و تمایل دانش‌آموزان و دانشجویان برای کارآفرین شدن افزایش یابد. گروه‌های نژادی، غیرشاغلین، مخترعین، دانشمندان، کارکنان دولت و بازنشستگان ارتشی و گروه‌های مختلف زیادی می‌توانند تحت پوشش این دوره قرار گیرند.

دسته دوم شامل برنامه‌های آموزشی می‌باشد که «توسعه تاسیس شرکت‌ها» را پوشش می‌دهد. این برنامه‌ها به اقتضای شرایط خاص هر کشور طراحی شده‌اند. کشورهایی همچون امریکا، هند، فیلیپین، مالزی، فنلاند و هلند مراکز ویژه‌ای را جهت حمایت از کارآفرینان بالقوه تاسیس نموده‌اند که ضمن ارائه آموزش‌های ویژه جهت توسعه توانایی‌ها و انگیزش افراد، توسعه مناطق شهری و آموزش‌های عملی در نزد کارآفرینان موجود را دربر می‌گیرد.

دسته سوم دوره‌ها جهت «رشد و بقای کارآفرینان و شرکت‌های کوچک» طراحی شده است، که شرکت‌های کوچک موجود را پوشش می‌دهد. واقعیت آن است که این گروه از شرکت‌ها در هر کشوری باید مورد توجه قرار گیرند. در کشورهای کمونیستی سابق شرکت‌های کوچک بسیار مورد توجه قرار گرفته‌اند و تعداد زیادی از آنها با کمتر از ۱۰ کارمند تاسیس شده‌اند. نیازهای آموزشی در این برنامه‌ها بسیار متنوع می‌باشد. از دوره‌های بسیار مورد قبول در این خصوص می‌توان به دوره «رشد شرکت‌های کوچک» در دانشگاه دارهام و دوره «فعالیت‌های اقتصادی خود را بهبود دهید» که توسط سازمان بین‌المللی کار (ILO) در سراسر دنیا اجرا می‌شود، اشاره نمود.

نتیجه گیری:

برای ایجاد یک فضای مساعد و رسیدن به توسعه ملی به عنوان پیش نیاز کارآفرینی به ساختارهای مناسب نیاز است. ساختارهای بودجه بندی، اقتصادی و فرهنگی یک جامعه باید با ارزش‌ها و انتظارات تناسب داشته باشد. یکی از مولفه‌های پیش نیاز توسعه ملی دسترسی همگان به منابع و اطلاعات و وجود یک بودجه مناسب و کارآمد است که با تخصیص مناسب در بخش‌های اقتصادی و اشتغال زایی طرح‌های زودبازده باعث افزایش تولید و اشتغال در جامعه می‌شود. بر این اساس دانشگاه‌ها با توجه به ظرفیت‌هایی که در تولید و توزیع دانش دارند به عنوان دانشگاه‌های کارآفرین نقش اساسی را در نوآوری و توسعه فناوری و در نتیجه اشتغال زایی ایفا می‌کنند. □



منابع و مأخذ:

- ۱- احمد پور داریابی، محمود «کارآفرینی» (تهران: انتشارات پردیس، چاپ سوم، تابستان ۱۳۸۰).
- ۲- ایمانی حسنلوئی، مهدی و پاشایی، محمدتقی (دانشگاه، دولت و کارآفرینی) «ماهنامه مجله کار و جامعه شماره ۸۲-۸۱ اسفند ۸۵ و فروردین ۸۶».
- ۳- سازمان سنجش آموزش کشور (کارآفرینی، طرح توسعه کارآفرینی دانشگاه‌های کشور «کاراد») (تهران: سال ۱۳۸۱).
- ۴- سعیدی، پرویز (بودجه و بودجه ریزی دولتی) (تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، جلد اول، سال ۱۳۸۲).
- ۵- مقیمی، فضل‌الله (کارآفرین، سنجش و پژوهش) (گاهنامه مرکز اطلاعات سازمان سنجش آموزش کشور سال ۱۳۸۲).
- 6- Rasmussen, niils and Chrlistopher. J. Elchorn ((Budgeting)) john wiley and Sons- Lnc newyork , 2000.
7. Fry,F. (1993) ((Entrepreneurship: A Planning Approach)) Englewood Cliffs NJ: Prentice- Hall.
- 8- www. Etrade . Com. Trade Securities